

قسمت چهارم

شرکتهای چند ملیتی و فراملیتی:

# رابطه نتایج استقراض و قدرت سیاسی و

## اقتصادی (۲)

محمد رضا حافظ نیا



از کالاهای سرمایه‌ای نیز بشود کالاهای مصرفی هستند مثلاً ماشین حمل و نقل نیز جزو کالاهای سرمایه‌ای به حساب می‌آید در صورتی که کثرت و تنوع اتومبیل‌های وارداتی، و یا قطعات مربوطه بصورت کالای واسطه‌ای برای صنایع موتورخانه‌ها، هنگامی برای مصرف افراد جامعه صورت می‌پذیرد و نمی‌تواند جزو کالای سرمایه‌ای بحساب آید که این تقسیم‌بندی در ترکیب کالاها خود فریبده است!

نکته اینجا است که درآمدهای ارزی و غیرارزی کشورهای جهان سوم عموماً صرف تهیه کالاهای مصرفی غذایی و مصنوعی شده که حجم آنها در اثر بالا بودن روجه مصرف‌گرایی که در اثر تبلیغات شرکتهای چندملیتی و شعبات تابعه آنها تحریک شده است بالا می‌باشد. خانواده‌ها در این کشورها بگونه‌ای تربیت شده‌اند که هر درآمندی را بلافاصله مصرف می‌کنند (برای غذا، لوازم زندگی، خانه‌های لوکس و غیره) و سرمایه‌ها، در خانواده‌های جهان سوم - که تا بلو و منعکس کننده الگوی مصرف جامعه نیز می‌باشد - در قالب وسایل زندگی لوکس

### سرمایه‌گذاری و کمکهای خارجی در کشورهای جهان سوم:

عده‌ای معتقدند که چون کمبود سرمایه و منابع مالی برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی از مشکلات عمده کشورهای جهان سوم است و سرمایه‌سرانه و نتیجتاً تولید و درآمد سرانه و بدنبال آن میزان پس‌انداز و مصرف سرانه پائین است، بنابراین برای توسعه اقتصادی ناچارند به اشکال مختلف از منابع خارجی استفاده نموده و امکان توسعه را در کشور خود بوجود آورند. البته این موضوع که تا چه اندازه توجیه و استدلال مزبور صحیح بوده و واقعیت دارد نیاز به بررسی بیشتر و بحث جداگانه ای دارد.

آنچه مسلم است این است که در اکثر کشورهای جهان سوم بویژه کشورهای نفت خیز درآمدهای ارزی و غیر ارزی نسبتاً بالاست ولی استراتژی درستی در جهت تبدیل این درآمدها به زیرساختهای اقتصادی درآمدها و توسعه‌زا اتخاذ نگردیده است و مسیر مصرف درآمدهای مزبور بصورت انحرافی تعیین شده است یعنی با تزریق روحیه رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی بی‌رویه و ایجاد علائق کاذب در مصرف کالاها و خدمات غیر ضروری و بعضاً لوکس که منشأ غیربومی و عموماً خارجی دارند، درآمدها نقل شده و از بین می‌روند و حجم پس‌انداز خانواده‌ها و طبعاً حجم پس‌انداز ملی ناچیز بوده و منجر به تشکیل حجم سرمایه‌ای قابل توجه برای گسترش سرمایه‌گذاری‌های تولیدی نمی‌شود.

ترکیب واردات کشورهای جهان سوم بیانگر بالا بودن سهم کالاهای مصرفی (غذائی و مصنوعات صنعتی) و واسطه‌ای میباشد و بخشی

- مسکن لوکس - اتومبیل و وسایل لوکس - کثرت و تعدد وسایل زندگی و غیره احتکار شده‌اند و عبارتی، خانواده‌ها مصرف کنندگان عطش تولیدات صنعتی شرکتهای چندملیتی و افکار آنها گردیده‌اند.

به اعتقاد نگارنده، این استراتژی شرکتهای چندملیتی و جهانی است که عمل شده و هنوز هم پیاده می‌شود که هدفهای ذیل را تعقیب می‌نماید:

۱ - ایجاد بازار و تقاضا برای تولیدات و عرضه کالاهای مربوط به خود از طریق گسترش فرهنگ مصرف و تبلیغات و نتیجتاً افزایش سود و گسترش توسعه شبکه شرکت.

۲ - جذب درآمدهای ارزی و غیرارزی کشورهای جهان سوم از طریق مصرفی بارآوردن و عادت دادن آنها به مصرف افراط آمیز کالاهای مصرفی تولید خارج و طبعاً جلوگیری از شکل‌گیری فرهنگ پس‌انداز و تولید سرمایه.

۳ - فراهم شدن زمینه سرمایه‌گذاری برای شرکتهای چندملیتی در کشورهای جهان سوم بدلیل پائین بودن سطح پس‌انداز ملی و فراهم نشدن سرمایه ملی برای توسعه اقتصادی.

اجرای فرآیند مزبور احتیاج به توجیه علمی توسط صاحب‌نظران مسائل اقتصادی داشت و این کار نیز انجام شد پنحوی که غالباً در تحصیل مسائل جهان سوم از زبان نظریه پردازان مسائل اقتصادی شاهد بیان این نکته می‌باشیم! که:

کشورهای جهان سوم با کمبود سرمایه روبرو هستند و طبعاً بدنبال این نتیجه‌گیری توجیه خطرناکی شکل می‌گیرد که پس کشورهای جهان سوم نیاز به

کمک‌های خارجی داشته و لازم است از سرمایه‌گذارهای خارجی (که بدست شرکتهای چند ملیتی و جهانی انجام می‌پذیرد) استقبال کنند و آنها این روش را به کشورهای جهان سوم توصیه می‌نمایند!

تا بدنبولسیده اقتصاد ملی اینگونه کشورها عرضه ناختم و نیاز شرکتهای سودپرست چندملیتی و جهانی قرار گیرد.

این صغری و کبری چیدن‌ها و استدلال‌ها امر را بر جهان سوم‌ها و دولتهای عمدتاً

صحت نشاندۀ آنها مشتبه نموده است که چاره‌ای ندارند و باید به ورطۀ سرمایه‌گذاریهای خارجی و کمکیهای خارجی پناه ببرند و استقلال سیاسی و اقتصادی خود را در گرو آن بگذارند؛ در صورتیکه اگر آنها با طراحی الگوی مصرف مناسب و بومی‌گرا و تبلیغ و القاء آن بر جامعه در یک حرکت هماهنگ تبلیغاتی و تربیتی (از طریق رسانه‌های خبری و تبلیغاتی - کتابهای درسی - مجلات و جراید - سخنرانیها و غیره)، و نیز اتخاذ سیاستهای بازرگانی و تجاری مناسب بمنظور تغییر ترکیب و سهم کالاهای وارداتی اقدام نمایند می‌توانند بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی و غیرارزی را با پیشگامی جامعه به سمت پس‌انداز ملی و طبیعاً افزایش بیشه سرمایه‌گذاری ملی جهت داده و برای پایه‌گذاری ساختمان اقتصادی و صنعتی و فنی و تکنولوژیکی درون‌زا و باشده اقدام نموده و در پرتو فرآیندهای تولید اقتصادی مرتباً بیشه سرمایه‌گذاری کشور را افزایش دهند.

اتخاذ این سیاست راه اصلی خروج کشورهای جهان سوم از بن بست و دور نسل باطل کمبود سرمایه برای توسعه اقتصادی میباشد و کشور ایران نیز برای حل مشکلات سرمایه‌گذاری خود ناچار است همین سیاست توشل جوید.

ایشک با گذر از این مقدمه موضوع جلب سرمایه‌های خارجی را بصورت سرمایه‌گذاری و کمکیهای خارجی مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است که یکی از روشهای جلب سرمایه‌های خارجی مسئله اعتراض از منابع خارجی است که در قسمت اول و دوم این مجموعه مقالات مورد بررسی قرار گرفت.

**الف: سرمایه‌گذاری خارجی:**

سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم عمدتاً توسط شرکتهای چندملیتی و جهانی و بمنظور سود بیشتر و چپاول جهان سوم به شکلهای مختلف انجام می‌پذیرد که عبارتند از: ۱- سرمایه‌گذاری با مالکیت ۱۰۰٪ واحد تولیدی بومی که اختیار کامل و کنترل واحد تولیدی

شرکت تابعه در دست شرکت مادر قرار داشته باشد. ۲- سرمایه‌گذاری با مالکیت بیش از ۵۰٪ سهام واحد تولیدی ۳- سرمایه‌گذاری با مالکیت کمتر از ۵۰٪ سهام واحد تولیدی.

شرکتهای مزبور معمولاً شق اول و دوم سرمایه‌گذاری را ترجیح میدهند تا شرکت فرعی را تابع سیاستهای شرکت مادر بنمایند. نکته قابل ذکر اینست که، بدلیل حساسیت مردم در کشورهای جهان سوم نسبت به حضور شرکتهای چندملیتی و بمنظور جلوگیری از بروز نهضتهای انقلابی، شرکتهای مزبور سیاست پنهان‌کاری را پیش گرفته‌اند و در کشورهای جهان سوم به واحدهای فرعی و تابعه خود رنگ بومی داده‌اند و حتی اسامی و عنوانهای واحدهای تولیدی و محصولات را از اسامی بومی و مجلس انتخاب میکنند.

شرکتهای چندملیتی بعنوان مظهر صدور سرمایه به کشورهای جهان سوم در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری میکنند. این زمینه‌ها عمدتاً عبارتند از:

۱- سرمایه‌گذاری بر روی تولید و استخراج و صدور مواد اولیه مانند نفت، سوز، قهوه، مس و کانیهای دیگر.

۲- سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای مصرفی در سطح کشور و یا مناطق خاص خارج از آن.

۳- سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای واسطه و قطعات مورد نیاز سایر بخشها و حتی شرکتهای فرعی تابعه.

شرکتهای چندملیتی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم، سودهای هنگفتی را نصیب خود نموده و در واقع کشورهای جهان سوم را چپاول می‌کنند؛ آنها بخشی از سود حاصله را صرف توسعه مجدد سرمایه‌گذاری در کشور میزبان نموده و بخش دیگر را منتقل می‌نمایند و بررسیهای بعمل آمده نشان میدهد که یک شرکت چندملیتی و خارجی در طول هفت سال مبلغی بیش از میزان سرمایه‌گذاری اولیه خود بصورت سود سهام به کشور مادر باز میگرداند (کتاب مشکلات اقتصادی جهان سوم ص ۹۹).

سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای جهان سوم علاوه بر چپاول آنها، در پندایش اقتصاد دوگانه آنها نیز تأثیر دارد. شرکتهای مزبور هر چند تکنولوژی از رده خارج کشور خود را به کشورهای جهان سوم صادر میکنند ولی در عین حال به نسبت ساخت تکنولوژی یک کشورهای میزبان، از نظر فنی و تخصصی در سطح پیچیده‌تری قرار دارند و تولیدات صنعتی آنها که منجر به تثبیت الگوی جدید تولید و مصرف در جامعه میزبان می‌شود با آنچه که بصورت بومی و سنتی وجود داشته تفاوت دارد و لذا اقتصاد دوگانه‌ای که یکی بر روشهای فنی سرمایه‌برود دیگری بر روشهای بومی کارگر بر مبنی است را در کنار یکدیگر بوجود می‌آورد (کامپوئر و چرتکه - نانوانی سنتی و ماشینی - فرش دست‌بافت و ماشینی و غیره). شرکتهای چندملیتی از طریق صدور و بخش سرمایه در جهان، در واقع اقدام به صدور بخش تکنولوژی‌ای می‌نمایند که این تکنولوژی وارداتی، در کشورهای جهان سوم با زیرساختهای تکنولوژی بومی همخوانی نداشته و عمدتاً با آن در تعارض می‌باشد و این رُخداد باعث شده است که تکنولوژی بومی جهان سوم بسوی انقراض پیش برود و تکنولوژی وارداتی بومی پایه و بدون زیربنا، ساختمان زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی آنها را دچار کسبختگی بنماید و چون از سوی کشورهای جهان سوم اقدامی برای ساختن الگوی تکنولوژی متناسب با خود بعمل نمی‌آید بهمین دلیل همیشه در باطلاق وابستگی اقتصادی و تکنولوژیکی که عوارض سوء فراوانی دارد بیشتر فرو می‌روند. در صورتیکه آنها از طریق سیاستگذاریهای درست دولتی و با کمک مراکز علمی و دانشگاهی خود میتوانند با اساس قرار دادن ساخت تکنولوژی بومی، تکنولوژی جدید را بر پایه آن استوار نموده و در واقع بر آن تطبیق دهند تا مدل تکنولوژی جدید و متناسب با خود و بعبارتی خود اتکا را بوجود آورند، راه حل معضل تکنولوژیکی ایران هم همین روش است که باید سیاستگذاری آن توسط دولت و مجلس و

شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شود و لازم به توضیح است که از مدلهای تکنولوژیکی که بر اساس این روش در جهان بوجود آمده اند، می توان از مدل ژاپن و چین و تا اندازه ای هندوستان نامبرد.

عدم توجه به خلق الگوی تکنولوژیکی متناسب با کشورهای جهان سوم باعث می شود که مشخصه های منفی اقتصاد آنها، کماکان تداوم یافته و از عمق و گستره بیشتری برخوردار شود. مشخصه های منفی مورد نظر عبارتند از:

- ۱- محروم بودن از گسترش صنایع اصلی و مادر و نیز گسسته بودن زنجیره تولید و ایجاد و بقای حلقه های مفقوده در آن.
- ۲- سرمایه بر بودن صنایع و تشدید بیکاری و مازاد نیروی کار.
- ۳- انقراض تکنولوژی و صنایع بومی و آزاد شدن نیروی کار شاغل در آن و سررازی شدن آنها بسوی مراکز پردرآمد چون شهرها و تشدید مسئله مهاجرتهای بیرویه و متورم شدن بخش خدمات کاذب در جامعه و افزایش بیکاری پنهان.
- ۴- دو قطبی شدن جامعه و بروز و تشدید فاصله فقر و غنی و افزایش مسائل ناشی از این پدیده نامطلوب.
- ۵- بروز مشکلات زیست محیطی و تخریب منابع ثروت و منابع طبیعی و ایجاد آلودگی و افزایش بیماریها و امراض و مرگ تدریجی.
- ۶- توسعه صنایع مونتاژ و فریب خوردن جامعه نسبت به توسعه صنعتی واقعی و اصولی.

۷- عدم رشد و گسترش سرمایه گذارهای داخلی و خوداتکای متناسب با تکنولوژی کنونی جهان و یا مدلهای تکامل یافته تکنولوژی بومی.

### ب: کمکهای خارجی:

کمکهای خارجی بصورت کمک بلاعوض و نیز تخفیف در شرایط پرداخت وامهای خارجی، چون میزان بهره و مدت بازپرداخت، و نیز اختصاص بعضی از امکانات اقتصادی و ماشین آلات و غیره صورت می پذیرد. مسئله کمک به کشورهای جهان سوم موضوع تشکیل سازمانهای اقتصادی متعددی بوده است که برای نمونه از «رنکتاد» یا کنفرانس سازمان ملل برای توسعه و تجارت، «پونیدو» یا سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل، و نیز «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» و غیره میتوان یاد کرد. در سال ۱۹۶۱ سازمان ویژه ای تحت عنوان «کمپه کمک به رشد» تشکیل از ۱۶ کشور صنعتی غرب از آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و استرالیا برای باصطلاح کمک به کشورهای جهان سوم تشکیل شد!؟ و در دسامبر ۱۹۶۲ نیز مجمع عمومی سازمان ملل مسئله کمک یک درصد درآمد ملی کشورهای پیشرفته به کشورهای جهان سوم را تصویب کرد، که البته تمام این مقدار بمعنای کمک بلاعوض نیست! با همه این احوال کمک خارجی مستمک دیگری است برای چپاول جهان سوم و موضوع، همان مثل معروف خودمان است که «هیچ

گربه ای محض رضای خدا موش نمی گیرد» اصلاً اینکه چپاولگران غلم دلسوزی و کمک چپاول شده ها را بردارند محل تردید است و هیچ عقل و منطقی آنرا نمی پذیرد.

مسئله کمکها به جهان سوم دست توی می باشد و عبارتی کمکهای با عوض و بلاعوض همگی با ملاحظات سیاسی آمیخته شده است یعنی کشور کمک دهند، (غارتگر) با این وسیله بر اقدار سیاسی و بهره برداری سیاسی و اقتصادی و نظامی و سیاسی از آنها می افزاید و این امر منحصر به کشورهای غربی نیست بلکه استیکار شرق نیز چنین سیاستی را تعقیب کرده است پس از انقلاب نیکاراگوئه آمریکا کمکهای خود را به آن کشور در دوران ساندنیستها قطع کرد و در سالجاری نیز با تغییر حکومت در آن که در راستای منافع آمریکا قرار داشت مجدداً بلافاصله نسبت به برقراری آن اقدام نمود. یا امروزه کشورهای مصر و اسرائیل و ترکیه بعنوان اقدار آمریکا در صدر دریافت کنندگان کمکهای آن کشور قرار دارند. آمریکا در سیل خاتمانسوز ۱۹۷۴ بنگلادش، شرط کمک به سیل زدگان را، قطع صادرات گونی بنگلادش به کوبا (مخالف آمریکا) اعلام کرد. بطور کلی کمکهای اقتصادی غارتگر به غارت شده، یا کشورهای باصطلاح پیشرفته به کشورهای جهان سوم، از بار سیاسی و نظامی برخوردار است.

ادامه دارد

### بقیه از هبانی رهبری در اسلام

معنا تاکید می فرماید که در حکومت فاجر نیز مالیات جمع آوری و تقسیم می شود، راهها امن می گردد فعالیتهای اقتصادی ممکن می شود و با دشمن مردم پیکار و حق ضعیف از قوی اخذ می گردد. به عبارت دیگر هر چند در حکومت فاجر قطعاً بخش عظیمی از حقوق مردم تضییع می شود، ولی این مقدار فائده هست که زندگی ممکن است، زیرا فاجر هم برای ادامه حکومت راهی جز تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه ندارد، و تأمین امنیت ادامه زندگی را برای خوب و بد ممکن می سازد بنابراین حکومت فاجر بر هرج و مرج و فتنه ترجیح دارد و به گفته پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:

«الامام الجائر خیر من الفتنه»<sup>۱</sup>.

امام جائر بهتر از فتنه است.

و در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«اسد ظلوم خیر من سلطان ظلوم و سلطان ظلوم خیر من فتنه

تدوم»<sup>۲</sup>.

شیر درنده بهتر از سلطان ظالم است و سلطان ظالم بهتر از فتنه

دائم است.

۱- امام: ۵۷/ یوسف ۴۱، ۶۷ آیات دیگری نیز بر این معنا دلالت دارد.

۲- نهج البلاغه فیض خطبه ۴۰. ۴- شرح نهج البلاغه ابن مشم جلد ۲ صفحه ۱۰۳.

۳- المصنف تألیف ابن ابی شیبہ ۷۵۱/۱۵. ۵- بحار الانوار جلد ۷۲ ص ۳۵۹.